

مقدمه ناشر

دوست خوبم، سلام

واژه «فارسی» را در اینترنت جست‌وجو می‌کنیم. در همان صفحه اول می‌آید: «سفارش غذای آنلاین»، «فارسی - ویکی‌واژه» و چیزهایی شبیه این‌ها.

با این حساب «زبان فارسی» اگر در حال تحول اساسی نباشد، دست کم دستخوش تغییرات نه چندان خرد و کوچک است. سرعت تغییرات در فضای مجازی، سایت‌های اینترنت، شبکه‌های اجتماعی و هر جنبه‌ای از زندگی‌مان که به دیجیتال و الکترونیک مربوط است، چنان زیاد است که روی تمام حیطه‌های زندگی و به ویژه حرف‌زدنمان تأثیر می‌گذارد و با این تغییرات، فاصله ما از چیزی که به نام زبان فارسی معیار یا ادبی می‌شناسیم، روزبه‌روز زیادتر می‌شود.

درس فارسی؛ از جنبه درسی‌اش که بگذریم؛ شاید مهم‌ترین ابزار و گاهی وقت‌ها اساسی‌ترین بهانه‌ای است که این فاصله را کم می‌کند. متن‌های قدیمی از نظم و نثر گرفته، حکایت‌ها و قطعه‌ها در عین حال که اطلاعات و فرهنگ بازمانده از قرن‌های پیشین را به ما منتقل می‌کنند، نقطه اتصال زبان و گفتار امروزمان با شیوه سخن گفتن و نوشتار اجدادمان است.

تغییر و تحول نه تنها بد نیست، که بسیار هم لازم است، اما به یکباره بریدن از گذشته و میراثی که داشته‌ایم اگر هم بد نباشد، دست کم چنان خردمندانه نیست.

به حساب حرف‌های بالا و از آن‌جا که بالأخره «فارسی» درسی است مهم از دروس امسال‌تان؛ به قول علما؛ احتیاط واجب آن است که درست و حسابی یادش بگیرید.

مؤلف خوبمان آقای دکتر احمدوند، همچون سال‌های پیش، کتابی خوب و ویژه برای آن که فارسی را با همه نکته‌ها و ترفندهایش، به راحتی و شیرینی یاد بگیرید برایتان نوشته است. ضمن سپاس از ایشان؛ که وجودشان آزرده گزند مباد؛ و با اقرار به خوبی و پاکیزگی آن‌چه نوشته‌اند، به سبب آن‌که خواننده کتاب، شماید، نظراتان از هر کس دیگری برایمان مهم‌تر است. برایمان چه روی کاغذ و چه در فضای مجازی بنویسید که این کتاب چگونه است؟ از کاستی‌ها و فزونی‌ها، کدام را دارد و با چه چاره‌ای بهتر و نیکوتر می‌شود.

به زبان فارسی راحت این‌که:

بگید چند چندیم؟ و چه‌طوری خفن می‌شیم؟

خوب و خوش باشید

مقدمه مؤلف

«جادوی جملات»

تا حالا شده فکر کنی «انتخاب هر واژه، چقدر می‌تونه مهم باشه»؟ مثلاً جایی که دقیقاً باید به کسی بگی «نرو!»، بگی «بهتره نری!» یا جایی که باید بگی «دلم می‌خواد بمونی!»، بگی «تصمیم با خودته!»

آیا این انتخاب به ظاهر ساده، واقعاً قدرت این رو داره که سرنوشت زندگی خودت و اطرافیانت رو تحت تأثیر قرار بده؟

من فکر می‌کنم، بله! «قدرت جادویی» واژه‌ها مهم‌ترین ابزاریه که در اختیار داریم. ما هزاران هزار انتخاب داریم که هر روز تلاش می‌کنیم با بهترین انتخاب‌ها و چیدمان واژه‌ها، به زیباترین شکل، روابط خودمون رو با اطرافیانون، سر و سامون بدیم و احساس و اندیشه‌ای که از اون‌ها در ما شکل گرفته رو بهشون منتقل کنیم.

این‌جاست که پای ادبیات به زندگی انسان‌ها باز می‌شه. ادبیات میاد تا به ما یاد بده از هر کلمه دقیقاً کجا استفاده کنیم، زیبا انتخاب کردن رو یاد بگیریم و بهترین واژه‌ها و جمله‌ها رو به ذهن بسپاریم تا در هر لحظه به بهترین شکل، احساس و منظومون رو منتقل کنیم.

اما باید اعتراف کرد که احساسات و اندیشه‌هایی هم هستن که اصلاً در قالب کلمات نمی‌شه بیانشون کرد، مثل «عشق»!

زبان اگرچه دلیر است و مدّعا شیرین سخن ز عشق چه گویم جز این‌که نتوان گفت **اقبال لاهوری**

و اقا بریم سراغ کتاب خودمون؛ در این کتاب ما سعی کردیم بهترین واژه‌ها رو در کنار هم بچینیم تا هم درس رو خیلی خوب یاد بگیرید و هم لذّت ببرید.

از ویژگی‌های این کتاب:

- کلّ متن کتاب درسی رو نوشتیم تا نیازی نباشه دو کتاب همراه داشته باشید.
- واژه‌های معنی‌شده پایان کتاب درسی رو به صورت رنگی نوشتیم تا از واژه‌های دیگه متمایز باشن.
- همه ابیات و عبارت‌های دشوار، حتی مواردی که در کارگاه متن‌پژوهی اومده، معنی کردیم.
- بعد از هر درس کلی نمونه سؤال امتحانی با پاسخ تشریحی آوردیم.
- شش آزمون آمادگی (دوتا برای نیم‌سال اول و چهار تا برای نیم‌سال دوم) نوشتیم.
- در ابتدای کتاب، چکیده آرایه و دستور زبان سال‌های گذشته و در بخش پایانی کتاب یک خلاصه درس توپ از مباحث دوازدهم برای مرور سریع در ایام امتحانات براتون آماده کردیم.

نوبت می‌رسه به عزیزانی که باید ازشون سپاس‌گزاری کنم. پیش از هر کسی، مثل همیشه از دکتر کورش بقائی راوری گرامی تشکر می‌کنم که آشنایی با ایشون، برکات بسیاری برای بنده به همراه داشته و همواره مدیونشون خواهم بود. از ویراستاران گرامی، خانم قادری، خانم سخاوت‌زاده، خانم دکتر کیایی و آقای دکتر غلامی عزیز کمال سپاس رو دارم. در پایان هم، از تمامی عزیزان در انتشارات دوست‌داشتنی «خیلی‌سبز» به خاطر همه زحماتشون، نهایت سپاس‌گزاری رو دارم و برای تمامی تلاشگران عرصه علم، آرزوی سربلندی می‌کنم.

دوستدار شما

مجتبی احمدوند

9



)

 γ

1

2

2

2.

2.

2.

3

3

٣٠

۳۰

3.

3.

۴

5

5

△

5.

6

6.

6.

Y

 γ γ γ

人

人

9

9.

9.

9.

) c

) c

,,

)

))

11

11

۲۴۴ نمونه امتحان نهایی دی ماه ۱۴۰۰





برای مطالعهٔ چکیدهٔ آرایه و دستور زبان (یادآوری سال‌های گذشته)، QRcode روبه‌رو را اسکن کنید.

ستایش: ملک‌اکثر تو گویم



این شعر از «دیوان حکیم سنایی غزنوی» و در قالب «قصیده»^۱ است.

ملک: پادشاه، خداوند / ذکر: یاد

ملک: ذکر^۲ تو گویم که تو پاک و خدایی
نروم جز به همان ره که توأم راه‌نمایی
معنی: خداوند، تو را یاد می‌کنم زیرا که پاک و پروردگار هستی و فقط همان مسیری را می‌روم که تو به من نشان دهی (یا جز راهی که تو راهنمای من باشی راه دیگری را نمی‌روم).

مفهوم: یادکردن از پاک و راهنمابودن خداوند

آرایه: «مصرع دوم به آیهٔ ششم از سورهٔ حمد تلمیح دارد: «إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ: ما را به راه راست هدایت فرما.» جملهٔ «توأم راه‌نمایی»، «ایهام» دارد و به دو صورت خوانده و معنی می‌شود:

۱. تو راه را به من نمای نهاد مفعول متعم فعل
۲. تو راهنمای من هستی نهاد مسند مضاف‌الیه فعل

دستوره: «الف» در «ملک» حرف نداست. / منظور از «تو» در همهٔ بیت‌ها «خداوند» است. / «پاک و خدا» مسند هستند (تو پاک هستی و خدا هستی).

همه: [در اینجا] تنها، فقط / فضل: بخشش، کرم / بوییدن: حرکت به سوی مقصدی برای به دست آوردن و جست‌وجوی چیزی، تلاش، رفتن / سزا: سزاوار، شایسته، لایق

همه درگاه تو جویم همه از فضل تو پویم
همه توحید تو گویم که به توحید سزایی
معنی: تنها درگاه تو را می‌جویم و به سبب لطف تو در حرکت و تلاش؛ فقط از یگانگی تو می‌گویم زیرا که شایستهٔ توحید و یگانگی هستی.

مفهوم: جست‌وجوی خداوند، توحید و ستایش او و حرکت و تلاش به لطف او

آرایه: «جویم»، «پویم» و «گویم»: جناس ناهمسان (ناقص) مصرع اول به آیهٔ پنجم از سورهٔ حمد تلمیح دارد: «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ: تنها تو را می‌پرستیم و تنها از تو یاری می‌جوییم.» / واج‌آرایی: تکرار صامت «ت» / تکرار: «تو»

دستوره: «همه»: در این بیت در نقش «قید» است. جویم (می‌جویم)، پویم (می‌پویم) و گویم (می‌گویم) همگی فعل مضارع اخباری هستند. نقش کلمات در جملهٔ پایانی به این شکل است:

[تو] به توحید سزا پی.
حرف اضافه متعم مسند فعل نهاد

(نهایی دی ۹۶)

«همه از فضل تو پویم»

سوال: عبارت روبه‌رو را به نثر روان معنی کنید.

پاسخ: به سبب لطف تو در حرکت و تلاش.

حکیم: دانا به همه چیز، دانای راست‌کردار، از نام‌های خداوند تعالی؛ بدین معنا که همهٔ کارهای خداوند از روی دلیل و برهان است و کار بی‌هوده انجام نمی‌دهد. / کریم: بسیار بخشنده، بخشنانده، از نام‌ها و صفات خداوند / رحیم: بسیار مهربان، از نام‌ها و صفات خداوند / نماینده: آن که آشکار و هویدا می‌کند، نشان‌دهنده / ثنا: ستایش، سپاس

تو حکیمی تو عظیمی تو کریمی تو رحیمی
تو نمایندهٔ فضلی تو سزاوار ثنایی
معنی: تو حکیم، بزرگ، بخشنده و مهربان هستی؛ تو آشکارکنندهٔ فضل و بخشش هستی و شایستهٔ ستایشی.

مفهوم: اشاره به صفات خداوند: علم، بزرگی، مهربانی و شایستهٔ ستایش بودن

آرایه: «تو و ی» (مخفف فعل هستی): تکرار / واج‌آرایی: تکرار صامت‌های «ت» و «م» و همچنین مصوّت‌های «ئ» و «ی»

دستوره: «حکیم، عظیم و ...» در نقش «مسند» هستند. / «نماینده» از بن مضارع «نمای» + پسوند فاعلی «ن» نده تشکیل شده؛ «نمایش» نیز از همین بن ساخته شده است.

(نهایی دی ۹۷)

«تو نمایندهٔ فضلی تو سزاوار ثنایی»

سوال: معنای واژهٔ مشخص‌شده را بنویسید.

پاسخ: ستایش، سپاس

۱. این شعر در اصل دارای سیزده بیت است و در دیوان سنایی جزء قصاید اوست.

۲. کلماتی که در متن درس زیرشان خط کشیده‌ایم از نظر املایی مهم‌اند.

مست گفت ای دوست، این پیراهن است افسار نیست



کتاب «گلستان» اثر «سعدی» است.

ماجرای این درس ...

در گذشته همه شاعران و نویسندگان در آغاز کار، بخشی رو به سپاسگزاری از خداوند و یادکردن از نعمت‌های او اختصاص می‌دادند. این بخش «تمهیدیه» نام دارد. کتاب «گلستان» که از برهسته‌ترین آثار ادبیات فارسی مصسوب می‌شه، تمهیدیه‌ای عالی و بی‌نظیر دارد که در این درس با اون آشنا می‌شیم.

مَتَّ، سپاس، شکر، نیکی / عَزَّ و جَلَّ، گرامی، بزرگ و بلندمرتبه است؛ بعد از ذکر نام خداوند به کار می‌رود. / قربت، نزدیکی / مزید، افزونی، زیادی

مَتَّ خدای را، عَزَّ و جَلَّ، که طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت.

معنی: سپاس و ستایش مخصوص خداوند گرامی و بزرگ است که اطاعتش سبب نزدیکی به او می‌شود و شکرگزاری او باعث افزایش نعمت می‌گردد.

مفهوم: اطاعت از خداوند و سپاسگزاری از او

آرایه: «قربت» و «نعمت»: سجع / تلمیح به آیه «لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ: اگر شکر کنید [نعمتتان] را افزون خواهم کرد.» (بخشی از آیه ۷ سوره ابراهیم)

دستور: «را»: در «خدای را» حرف اضافه به معنی «برای» است (مَتَّ برای خداست). / «به شکر اندر»: آمدن دو حرف اضافه برای یک متمم / ضمیر «ش» در «به شکر اندرش» مضاف‌الیه «شکر» است (در شکر کردن او) / فعل «است» بعد از «خدای را» و «نعمت» به قرینه لفظی حذف شده است (مَتَّ خدای را [است] / مزید نعمت [است]).

مُتَّ، مددکننده، یاری‌رساننده / مُفَرَّج، شادی‌بخش، فرح‌انگیز / ذات، وجود، هستی

هر نَفْسِ که فرومی‌رود، مُمِدَّ حیات است و چون برمی‌آید، مُفَرِّجِ ذات.

معنی: هر نَفْسِ که فرو برده می‌شود یاریگر زندگی است و وقتی بیرون می‌آید شادی‌بخش وجود است.

مفهوم: لطف همیشگی خداوند

آرایه: «فرومی‌رود» و «برمی‌آید»: تضاد / «حیات» و «ذات»: سجع

دستور: فعل «است» بعد از «ذات» به قرینه لفظی حذف شده است (مفَرَّج ذات [است]).

(نهایی شهریور ۹۹)

سوال: عبارت زیر را به نثر روان معنی کنید.

«هر نَفْسِ که فرومی‌رود مُمِدَّ حیات است و چون برمی‌آید، مُفَرِّجِ ذات.»

پاسخ: هر نَفْسِ که فرو برده می‌شود، یاریگر زندگی است و وقتی بیرون می‌آید، شادی‌بخش وجود است.

(نهایی دی ۹۸)

سوال: معنی واژه مشخص‌شده را بنویسید.

پاسخ: مُمِدَّ: مددکننده، یاری‌رساننده

پس در هر نَفْسِ دو نعمت موجود است و بر هر نعمتی شکری واجب.

معنی: پس در هر نفس دو نعمت وجود دارد و برای هر نعمتی باید شکری به جای آورد.

مفهوم: نعمت بی‌پایان خداوند و سپاس از او

دستور: فعل «است»: بعد از «واجب» به قرینه لفظی حذف شده است (شکری واجب [است]).

از دست و زبان که برآید کز عهده شکرش به درآید؟ عهده، وظیفه

معنی: از کردار و گفتار چه کسی ساخته است که شکر نعمت‌های او را به جای آورد؟

مفهوم: ناتوانی در سپاسگزاری از خداوند

آرایه: «دست»: مجاز از کردار / «زبان»: مجاز از گفتار / مصراع اول «استفهام انکاری» دارد^۱ (از دست و زبان کسی بر نمی‌آید). / «دست و زبان»: مراعات نظیر

دستور: «که» در مصراع اول، ضمیر پرسشی است و نقش مضاف‌الیه دارد؛ اقا در مصراع دوم پیوند وابسته‌ساز است.

(نهایی شهریور ۹۹)

سوال: مفهوم بیت زیر در کدام گزینه آمده است؟

«از دست و زبان که برآید کز عهده شکرش به در آید»

(۱) ناپایداری قدرت

(۲) بیگانه‌ستیزی

(۳) از جان‌گذشتگی عاشق

(۴) ناتوانی در سپاس‌گزاری از خداوند

پاسخ: گزینه «۴»؛ ناتوانی در سپاس‌گزاری از خداوند

۱. در این کتاب، استفهام یا پرسش انکاری را در موضوع «آرایه» آورده‌ایم.

(نهایی دی ۹۹)

سوال معنی بیت زیر را به نثر روان بنویسید.

«از دست و زبان که برآید / کز عهده شکرش به در آید»
پاسخ از کردار و گفتار چه کسی ساخته است که شکر نعمت‌های او را به جای آورد؟

﴿اعْمَلُوا آلَ دَاوُدَ شُكْرًا وَقَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِيَ الشَّكُورُ﴾

معنی ای خاندان داوود، سپاس گزاری و عده کمی از بندگان من سپاسگزارند.

مفهوم سپاسگزاری از خداوند

«آرایه» تضمین قسمتی از آیه ۱۳ سوره سبأ

بنده همان به که ز **تقصیر** خویش / عذر به درگاهِ خدای آورد

به، بهتر / **تقصیر**، گناه، کوتاهی، کوتاهی کردن /
عذر، توبه، عذرخواهی

معنی بهتر است بنده به خاطر گناه خود از خداوند، طلب بخشش کند.

مفهوم توبه از گناهان

«آرایه» «بنده، تقصیر، عذر و خدای»: مراعات نظیر

«دستوره» فعل «است» بعد از «به» به قرینه معنایی حذف شده است (همان به است).

و رنجه سزاوارِ خداوندی‌اش / کس نتواند که به جای آورد

رنجه، وگر نه، وگر نه، زیرا / به جای آوردن، انجام دادن

معنی وگر نه کسی نمی‌تواند، آن‌گونه که شایسته خداوند است، شکرگزاری کند.

مفهوم ناتوانی در سپاسگزاری از خداوند

(نهایی فرورد ۹۸)

سوال نوع حذف را در هر یک از موارد زیر تعیین کنید.

الف) بنده همان به که ز **تقصیر** خویش / عذر به درگاهِ خدای آورد

ب) در هر نفسی دو نعمت موجود است و بر هر نعمتی شکر واجب.

پاسخ الف) فعل «است» بعد از «به» به قرینه معنایی حذف شده است.

ب) فعل «است» بعد از «واجب» به قرینه لفظی حذف شده است.

بارانِ رحمتِ بی حسابش همه را رسیده و **خوان** نعمتِ بی دریغش همه‌جا کشیده.

بی حساب، بی شمار / **خوان**، سفره، سفره فراخ
و **گشاده** / بی دریغ، بی مضایقه، سخاوتمندانه

معنی رحمت بی کران الهی مانند باران به همه رسیده و سفره نعمت بی مضایقه و سخاوتمندانه‌اش در همه‌جا گسترده است.

مفهوم لطف فراگیر خداوند

«آرایه» «بارانِ رحمت» و «خوانِ نعمت»: تشبیه «رحمت و نعمت»: مشبّه؛ «باران و خوان»: مشبّه‌به // عبارت کاملاً

آهنگین است، زیرا کلمات آن همگی «سجع متوازی» دارند: «باران - خوان»، «رحمت - نعمت»، «بی حسابش - بی دریغش»،

«همه را - همه‌جا»، «رسیده - کشیده»؛ این آرایه را ترصیع نامیده‌اند. (ویژه علوم انسانی)

«دستوره» «را» در «همه را رسیده» حرف اضافه به معنی «به» است. (به همه رسیده) // فعل «است» در ساختار فعل

ماضی نقلی، بعد از «رسیده» و «کشیده» به قرینه معنایی حذف شده است (رسیده است)؛ (کشیده است).

(نهایی شهریور ۹۸)

سوال عبارت روبه‌رو را به نثر روان بازگردانی کنید.

«و خوان نعمت بی دریغش همه‌جا کشیده.»

پاسخ و سفره نعمت بی مضایقه و سخاوتمندانه‌اش در همه‌جا گسترده است.

پرده ناموس بندگان به گناه فاحش نذر و وظیفه روزی به خطای منکر نبرد.

ناموس، آبرو، شرافت / **فاحش**، آشکار، واضح /
روزی، رزق، مقدار خوراک یا وجه معاش که هر
کس روزانه به دست می‌آورد یا به او می‌رسد؛
وظیفه روزی، رزق مقرّر و معین / **وظیفه**، مقرّر،
وجه معاش / **منکر**، زشت، ناپسند

معنی آبروی بندگان را با وجود گناه آشکار نمی‌ریزد و روزی معین آنان را به خاطر انجام اشتباه زشت قطع نمی‌کند.

مفهوم عیب‌پوشی (ستار العیوب بودن) و روزی‌رسانی (رزاق بودن) خداوند

«آرایه» «پرده ناموس»: تشبیه «(ناموس): مشبّه، «پرده»: مشبّه‌به) // «پرده‌دریدن»: کنایه از رسواکردن / «نذر»

و «نبرد»: سجع

«دستوره» **پرده** ناموس **بنندگان**
هسته مضاف‌الیه مضاف‌الیه مضاف‌الیه
(وابسته وابسته)

(نهایی فرورد ۹۸ و دی ۹۸)

سوال عبارت زیر را به نثر روان معنی کنید.

«پرده ناموس بندگان به گناه فاحش نذر و وظیفه روزی به خطای منکر نبرد.»

پاسخ آبروی بندگان را با وجود گناه آشکار نمی‌ریزد و روزی معین آنها را به خاطر انجام اشتباه زشت قطع نمی‌کند.

چه غم دیوارِ اَمّت را که دارد چون تو پشتیان؟
 چه باک از موجِ بحر آن را که باشد نوح کشتیان؟
معنی: ای پیامبر، وقتی مسلمانان پشتیبانی چون تو دارند، غمی ندارند؛ همان‌طور که آن کس که در کشتی نوح باشد از موج و طوفان دریا ترسی ندارد.

مفهوم: تکیه بر حمایت پیامبر (ص)

آرایه: «چه غم؟» و «چه باک؟»: استفهام انکاری (غمی ندارد؛ باکی ندارد) / «دیوار اَمّت»: تشبیه («اَمّت»: مشبّه؛ «دیوار»: مشبّه‌به) - تشبیه («تو»: مشبّه؛ «پشتیان»: مشبّه‌به) / بیت «اسلوب معادله» دارد.^۱ / مصراع دوم به داستان حضرت نوح «تلمیح دارد». / «دیوار و پشتیان» و «موج، بحر، نوح و کشتیان»: مراعات نظیر
دستور: ضمیر «تو» به پیامبر (ص) برمی‌گردد.

(نهایی فرداد ۹۹)

سوال: درستی یا نادرستی آرایهٔ مقابل بیت را مشخص کنید.

«چه غم دیوار اَمّت را که دارد چون تو پشتیان چه باک از موج بحر آن را که باشد نوح کشتیان» (اسلوب معادله)

پاسخ: درست است؛ مصراع دوم، مثالی برای مصراع اول است و دو مصراع، استقلال دستوری دارند.

(نهایی دی ۹۷)

سوال: مصراع «چه غم دیوار اَمّت را که دارد چون تو پشتیان؟» چه مفهومی دارد؟

پاسخ: حمایت پیامبر اکرم (ص) که موجب دلگرمی و نجات است.

إنابت: بازگشت به سوی خدا، توبه، پشیمانی /
 إجابات: پذیرفتن / تعالی: بلندمرتبه / جلّ و علا:
 بزرگ و والامقام

هرگه یکی از بندگان گناهکارِ پریشان‌روزگار، دست **إنابت** به امیدِ إجابات به درگاه حق جَلّ و علا بردارد، ایزد تعالی در او نظر نکند.

معنی: هر زمان که یکی از بندگان گناهکار و بیچاره، دست خود را به نشانهٔ توبه و با امید پذیرش توبه‌اش به سمت خداوند بزرگ و والامقام بردارد، خداوند بلندمرتبه به او توجهی نمی‌کند.

مفهوم: توبهٔ بنده و عدم توجه خداوند به او

آرایه: «إنابت» و «إجابات»: جناس ناهمسان (ناقص) / «نظر نکردن»: کنایه از توجه نکردن

دستور: «دست إنابت»: اضافهٔ اقترانی

کالبدشکافی

به ترکیب‌های مشخص‌شدهٔ زیر دقت کنید:

■ **دستِ طمع**، آدمی را خفه خواهد کرد: «طمع» مانند موجودی زنده «دست» دارد.

مشبّه ادات تشبیه مشبّه‌به
 وجه‌شبهه (یکی از اجزای مشبّه‌به)

■ **گردنِ ظلم**، را باید شکست: «ظلم» مانند موجودی زنده «گردن» دارد.

مشبّه ادات تشبیه مشبّه‌به
 وجه‌شبهه (یکی از اجزای مشبّه‌به)

به این ترکیب‌ها که از «وجه‌شبهه» (یکی از اجزای مشبّه‌به) + «مشبّه» ساخته می‌شوند، «**اضافهٔ استعاری**» می‌گوییم. مانند: چنگال ستم، بال خیال، قهقههٔ فشنگ، سقف شب (شب به ساختمانی تشبیه شده که سقف جزئی از آن است)، قلهٔ آرزو (آرزو به کوهی تشبیه شده که قلهٔ جزئی از آن است). اکنون به ترکیب‌های مشخص‌شدهٔ زیر دقت کنید:

■ شاگرد در برابر استادش **دستِ ادب** به سینه نهاد: دست را «به نشانهٔ» ادب به سینه نهاد.

■ **گردنِ غرور** برافراشت و به راه افتاد: گردن را «به نشانهٔ» غرور برافراشت.

■ **دستِ دعا** به سوی خداوند بلند کرد: دست را «به نشانهٔ» دعا بلند کرد.

■ قاضی **قلمِ بخشش** بر جرم‌هایش کشید: قلم را «به نشانهٔ» بخشش کشید.

به این ترکیب‌ها که می‌توان بین آنها از «**به نشانهٔ**» یا «**برای**» استفاده کرد، «**اضافهٔ اقترانی**» می‌گوییم.

بخواند، صدا کند / إعراض، روی گرداندن از کسی یا چیزی، روی گردانی / تضرّع، زاری کردن، التماس کردن

بازش بخواند: باز **إعراض** فرماید. بار دیگرش به **تضرّع** و زاری بخواند.

معنی: دوباره آن بنده، خداوند را صدا می‌کند، باز هم خداوند روی برمی‌گرداند، بار دیگر با التماس و زاری خداوند را صدا می‌زند.

مفهوم: توبهٔ بندگان

دستور: ضمیر «ش» در «بازش» و «بار دیگرش» مفعول است و مرجع آن «خداوند» است. (باز او را بخواند؛ بار دیگر او را بخواند)

حق، سبحانه و تعالی - فرماید: یا مَلَايَكَتِي قَدْ اسْتَحْيَيْتُ مِنْ عَبْدِي وَ لَيْسَ لَهُ غَيْرِي فَقَدْ غَفَرْتُ لَهُ.

معنی: خداوند پاک و بلندمرتبه می‌فرماید: ای فرشتگانم، من از بندهٔ خود شرم دارم و او جز من پناهی ندارد، پس او را آمرزیدم.

مفهوم: نهایت بزرگی خداوند و بخشش او / خداوند، تنها پناه بندگان است.

۱. آرایهٔ «اسلوب معادله» را در درس ششم به طور مفصل توضیح داده‌ایم. بهتر است نگاهی به آن بیندازید.

نمونه‌ای دیگر:

یکی درخت گل اندر میان خانه ماست که سروهای چمن پیش قامتش پستند
در این بیت، سعدی در ذهن خودش، محبوبش را به درخت گل مانند کرده است (یعنی تشبیه ساخته است)؛ سپس مشبّه (یعنی محبوب) را کنار گذاشته و فقط مشبّه‌به (درخت گل) را آورده است؛ در این حالت، «درخت گل» استعاره از «محبوب» است.

نماد

در نظر بگیرید، پارچه سفیدی از پنجره خانه روبه‌روی شما آویزان است و باد آن را تکان می‌دهد. آیا این تصور، الزاماً بیانگر موضوع خاصی است؟ قطعاً نه.

حالا این تصویر را در نظر بگیرید: دشمن شهر شما را تسخیر کرده و تانک‌ها و سربازان بیگانه در خیابان در حال حرکت‌اند. همسایه روبه‌روی شما، پارچه سفیدی را از پنجره آویزان کرده و آن را تکان می‌دهد. به نظر شما، این تصویر، حامل پیامی است یا مانند تصویر نخست، بیانگر موضوع خاصی نیست؟

فکر کنم قبول دارید که پارچه سفید (یا پرچم سفید) در حالت دوم، نشانه صلح و بیانگر تسلیم یا دوستی است؛ در این حالت می‌گوییم پارچه سفید، نماد صلح و دوستی (یا تسلیم‌شدن) است.

چند نماد مشهور: «پارچه سیاه» نماد سوگواری؛ «گل سرخ» نماد عشق؛ «لاله» نماد شهید؛ «شب» نماد خفقان و ظلم و «صبح» (یا سحر) نماد آزادی و پیروزی است. در این درس نیز «بلبل» نماد عاشق مدّعی و دروغین و «پروانه» نماد عاشق حقیقی است.

کارگاه متن پژوهی

قلمرو زبانی

۱ جدول زیر را به کمک متن درس کامل کنید.

معنا	واژه معادل
دارای نشان پیامبری	وسیم
شادی‌بخش	مُفَرِّح
به خدای تعالی بازگشتن	إنابت
قطع کردن مقرّری	وظیفه‌بریدن

۲ سه واژه در متن درس بیابید که هم‌آوای آنها در زبان فارسی وجود دارد.

قربت: نزدیکی ← غربت: دوری
خیات: زندگی ← حیات: زمین جلو ساختمان
خوان: سفره ← خان: رئیس، سرور
منسوب: نسبت داده شده ← منصوب: به شغل و مقامی گماشته‌شده

۳ از متن درس برای کاربرد هر یک از حروف زیر، سه واژه مهم املایی بیابید و بنویسید.

ح: فاحش، تحیر، موج بحر ق: قربت و نزدیکی، قبا، باسق، قسیم ع: عزّ و جلّ، عصاره، اعراض، تضرّع

۴ در عبارت زیر، نقش دستوری ضمائر متصل را مشخص کنید.

بوی گلم چنان مست کرد که دامنم از دست برفت.

ضمیر «م» در «گلم» مفعول است. (بوی گل چنان من را مست کرد.)

ضمیر «م» در «دامنم» مضاف‌الیه «دست» است. (دامن از دستم برفت.)

۵ در متن درس، نمونه‌ای برای کاربرد هر یک از انواع حذف (لفظی و معنایی) بیابید.

«طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت»:

فعل «است» بعد از «نعمت» به قرینه لفظی حذف شده است (مزید نعمت [است]).

«بنده همان به که ز تقصیر خویش عذر به درگاه خدای آورد»:

فعل «است» بعد از «به» به قرینه معنایی حذف شده است (همان به [است]).

قلمرو ادبی

۱ واژه‌های مشخص‌شده، نماد چه مفاهیمی هستند؟

ای مرغ سحر! عشق ز پروانه بیاموز کان سوخته را جان شد و آواز نیامد

«مرغ سحر»: نماد مدّعیان دروغین عاشقی / «پروانه»: نماد عاشقان راستین

قلمرو زبانی

واژه

معنی واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

- ۱- به شکر اندرش مزید نعمت. (۰/۲۵)
- ۲- بار دیگرش به تضرع و زاری بخواند. (۰/۲۵)
- ۳- هر نفسی که فرومی‌رود، ممد حیات است. (۰/۲۵)
- ۴- تخم خرمایی به تربیتش نخل باسق گشته. (۰/۲۵)
- ۵- در بحر مکاشفت مستغرق شده. (۰/۲۵)

(نهایی دی ۹۸)

(نهایی شهریور ۱۴۰۰)

املا

۶- در گروه کلمات زیر چند نادرستی املائی دیده می‌شود؟ تصحیح کنید. (۱)

«قربت و نزدیکی - ممد حیات - مفزع ذات - خوان نعمت - گناه فاحش - عصارة تاک - شهد فایق - نخل باسق - سفوت آدمیان - موج بحر - دست انابت - اعراض کردن - تضرع و زاری - آکفان کعبه - تقصیر عبادت - هلیه جمال - به تحیر منصوب - بحر مکاشفت - مستغرق شدن - هدیه و تحفه»

۷- در کدام گزینه نادرستی املائی دیده می‌شود؟ تصحیح کنید. (۰/۲۵)

- ۱) شفیع مُتاع نبی کریم
- ۲) این مدعیان در طلبش بی‌خبران‌اند
- ۳) قسیم جسیم نسیم وسیم
- ۴) کان را که خبر شد، خبری باز نیامد

دستور زبان

۸- در میان واژگان زیر، معادل معنایی هر مورد را مقابل آن بنویسید. (۱/۲۵)

«معاملت، انابت، وظیفه‌بردن، وسیم، خلعت»

الف) دارای نشان پیامبری: ب) اعمال عبادی:

ت) جامه‌ای که بزرگی به کسی بخشد:

۹- هم‌آوای واژگان زیر را به همراه معنی آنها بنویسید. (۱)

الف) قربت ب) حیات

۱۰- در عبارت زیر نقش ضمیر مشخص شده را نشان دهید. (۰/۲۵)

بوی گلم چنان مست کرد که دامنم از دست برفت.

۱۱- در هر یک از موارد زیر نوع حذف را مشخص کنید. (۰/۵)

الف) طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت.

ب) بنده همان به که ز تقصیر خویش عذر به درگاه خدای آورد

(نهایی فرورد ۹۸)

قلمرو ادبی

۱۲- پدیدآورنده «گلستان» و «ترجمه کلیله و دمنه» به ترتیب چه کسانی هستند؟ (۰/۵)

۱۳- در بیت زیر کدام کلمات مفهوم نمادین دارند؟ مفهوم هر یک را بنویسید. (۱)

ای مرغ سحر! عشق ز پروانه بیاموز

(نهایی شهریور ۹۸ و فرورد ۱۴۰۰)

۱۴- در عبارت زیر «تشبیه، تشخیص، سجع و استعاره» را نشان دهید. (۱)

فراش باد صبا را گفته تا فرش زمردین بگسترد و دایه ابر بهاری را فرموده تا بنات نبات در مهد زمین پیرورد.

قلمرو فکری

درک مطلب

۱۵- مفهوم کلی هر یک از موارد زیر را در چند کلمه بنویسید.

الف) عاکفان کعبه جلالش به تقصیر عبادت معترف که: «ما عبدناک حقَّ عبادتک» (۰/۵)

ب) یکی از صاحب‌دلان سر به جیب مراقبت فرو برده بود و در بحر مکاشفت مستغرق شده: (۰/۵)

پ) ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری (۰/۵)

۱۶- با توجه به بیت زیر به پرسش‌ها پاسخ دهید.

☛ چه غم دیوار اَمّت را که دارد چون تو پشتیبان
چه باک از موج بحر آن را که باشد نوح کشتیبان

الف) منظور از «تو» چه کسی است؟ (۰/۲۵)

ب) مفهوم کلی بیت چیست؟ (۰/۵)

(نهایی دی ۹۷)

۱۷- در بیت «گر کسی وصف او ز من پرسد/ بی‌دل از بی‌نشان چه گوید باز؟»، منظور از کلمات مشخص شده چیست؟ (۰/۵)

(نهایی فرداد ۹۸)

۱۸- مفهوم مشترک موارد زیر را بنویسید. (۰/۵)

☛ هیچ نقاشی نمی‌بیند که نقشی بر کشد
☛ واصفان حلیهٔ جمالش به تحبیر منسوب که «ما عَرَفْنَاكَ حَقَّ معرفتک»

۱۹- در عبارت «دیگر روز هرگاه ماهی بدیدی، گمان بردی که همان روشنایی است؛ قصدی نپیوستی و ثمرت این تجربت آن بود که همه روز گرسنه

بماند» منظور از قسمت مشخص شده چیست؟ (۰/۲۵)

معنی و مفهوم

عبارات و اشعار زیر را به نثر روان معنی کنید.

۲۰- قصدی می‌کرد تا بگیرد و هیچ نمی‌یافت. (۰/۵)

۲۱- مَنّت خدای را، عزّ و جَلّ که طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت. (۱)

(نهایی شهریور ۹۹)

۲۲- هر نفسی که فرومی‌رود، مُمِدّ حیات است و چون برمی‌آید، مُقَرّح ذات. (۱)

(نهایی فرداد ۹۸)

۲۳- پردهٔ ناموس بندگان به گناه فاحش نَدَرَد و وظیفهٔ روزی به خطای مُنکَر نبرد. (۱)

۳ دربارهٔ ارتباط موضوعی متن درس با هر یک از بیت‌های زیر توضیح دهید.

- معنی: دور شو از بزم ای واعظ و بیهوده مگوی
من نه آنم که دگر گوش به تزویر کنم / حافظ
- معنی: ای نصیحت‌گو از کنارم دور شو و حرف بیهوده نزن؛ زیرا من دیگر آن کسی نیستم که به فریبکاری و دورویی تو گوش کنم.
ارتباط موضوعی: در این بیت به دورویی نصیحت‌گویان و کسانی که مردم را از کار بد منع کرده‌اند اما خودشان اهل گناه بوده‌اند، اشاره شده است. در این درس نیز دورویی محتسب نشان داده شده است.
- معنی: گفت مست: «ای محتسب بگذار و رو از برهنه کی توان بردن گرو؟» مولوی
- معنی: مست گفت: «ای محتسب مرا رها کن و برو، چگونه ممکن است از کسی که هیچ ندارد چیزی به گروگان گرفت؟»
ارتباط موضوعی: در این بیت به رشوه‌خواری و زورگویی محتسبان اشاره شده و اینکه آنها حتی به کسانی که بسیار فقیر بوده‌اند نیز رحم نمی‌کرده‌اند. در متن درس نیز آشکارا به این موضوع اشاره شده است. به ویژه در این دو مصراع: «گفت: دیناری بده پنهان و خود را وارهان» و «گفت: از بهر غرامت، جامه‌ات بیرون گنم».

شعرخوانی: در مکتب حقایق

این شعر سرودهٔ «حافظ» و در قالب «غزل» است.

- ای بی‌خبر، بکوش که صاحب‌خبر شوی / تا راهرو نباشی کی راهبر شوی؟
معنی: ای بی‌خبر از عشق و معرفت، بکوش تا آگاه و باخبر شوی، زیرا تا وقتی که راه معرفت را طی نکنی، رهبر و هدایتگر نمی‌شوی.
- مفهوم: تشویق به کسب عشق و معرفت الهی
- آرایه: «بی‌خبر و صاحب‌خبر»: تضاد / «کی راهبر شوی»: استفهام انکاری (راهبر نمی‌شوی) / واج‌آرایی: تکرار صامت «ب» در مصراع اول و تکرار صامت «ر» در مصراع دوم
- در مکتب حقایق پیش ادیب عشق / هان ای پسر، بکوش که روزی پدر شوی
معنی: ای فرزند، بکوش تا در راه کسب معرفت، نزد آموزگار عشق، روزی به مقام راهبری و کمال برسی.
- مفهوم: تشویق به کسب عشق و معرفت
- آرایه: «مکتب حقایق» و «ادیب عشق»: تشبیه («حقایق» و «عشق»: مشبه؛ «مکتب» و «ادیب»: مشبّه‌به) / «مکتب و ادیب» و «پسر و پدر»: مراعات‌نظیر / «پدرشدن»: کنایه از رسیدن به مقام بالا

نکته

منظور از «پسر»، سالک یا راهرو نوآموز است و منظور از «پدر»، عارف کامل یا پیر راه‌آزموده است.

- دست از مس وجود چو مردان ره پشوی / تا کیمیای عشق بیابی و زر شوی
معنی: مانند مردان راه عشق، مس بی‌ارزش وجودت را رها کن تا به کیمیای عشق برسی و مانند طلا ارزشمند شوی.
- مفهوم: ترک وابستگی و توجه به عشق الهی موجب کمال است.
- آرایه: «دست از چیزی شستن»: کنایه از ترک کردن آن / در بیت، چهار تشبیه «وجود دارد: ۱) «مس وجود» (وجود): مشبه؛ «مس» (مس): مشبّه‌به ۲) «چو مردان ره دست از وجود بشوی» (ا[تو]: مشبه؛ «چو»: ادات تشبیه؛ «مردان ره»: مشبه‌به؛ «دست از وجود شستن»: وجه‌شبه ۳) «کیمیای عشق» («عشق»: مشبه؛ «کیمیا»: مشبّه‌به) ۴) «زر شوی» (ا[تو]: مشبه؛ «زر»: مشبّه‌به) / «مس، کیمیا و زر»: مراعات‌نظیر / «مس و زر»: تضاد

(نهایی شهریور ۹۸)

سوال: جای خالی را با مصراع مناسب کامل کنید.

تا کیمیای عشق بیابی و زر شوی
پاسخ: دست از مس وجود چو مردان ره بشوی

- خواب و خورت ز مرتبهٔ خویش دور کرد / آن‌که رسی به خویش که بی‌خواب و خور شوی
معنی: وابستگی به لذت‌های مادی، تو را از جایگاه انسانی خودت دور کرده است؛ زمانی به مقام حقیقی خود می‌رسی که لذت‌های مادی را ترک کنی.
- مفهوم: ترک لذت‌های مادی و توجه به معنویات، انسان را به مقام والا می‌رساند.
- آرایه: «خواب و خور»: مجاز از لذت‌های مادی / «از خویش دور شدن» و «به خویش رسیدن»: تضاد / «بی‌خواب و خور شدن»: کنایه از ترک وابستگی‌های مادی / «دور شدن از مرتبهٔ خویش»: کنایه از ارزش خود را از دست دادن / «به خویش رسیدن»: کنایه از رسیدن به مقام والای خود
- دستوره: ضمیر «ت» در «خواب و خورت» مفعول است. (خواب و خور ز مرتبهٔ خویش دورت کرد = تو را دور کرد)

واعظ، پنددهنده، سخنور اندرزگو / تزویر، نیرنگ، دورویی، ریاکاری

گرو: دارایی یا چیزی که برای مطمئن‌ساختن کسی در به انجام رساندن تعهدی به او داده می‌شود. / گرو بردن، مال کسی را به عنوان وثیقه گرفتن و نزد خود نگاه‌داشتن؛ موفق‌شدن در مسابقه و به دست آوردن گرو

مکتب، جای درس‌خواندن، مدرسه / حقایق، جمع حقیقت است. حقیقت، آخرین مرحلهٔ سیر و سلوک عرفانی است. / ادیب، آداب‌دان، ادب‌شناس، سخن‌دان؛ در اینجا به معنی معلم و مرئی است.

کیمیا، ماده‌ای که به عقیدهٔ گذشتگان می‌توانست مس را تبدیل به طلا کند.

پاسخ آزمون درس ستایش

- ۱- شبه: مانند، مثل، همسان
- ۲- سُور: شادی، خوشحالی
- ۳- روی: مجازاً امکان، چاره
- ۴- «قالب قصیده» و «ثنا و ستایش» املائی صحیح‌اند.
- ۵- «همه» در مصراع «الف» به معنای «تنها و فقط» آمده و قید است
اما در مصراع «ب» به معنای «هر» آمده و صفت اشاره است.
- ۶- عبارت «توام راه‌نمایی» ایهام دارد: ۱) تو راه را به من نمای.
- ۲) تو راهنمای من هستی.
- ۷- «بیش و کم» و «بکاهی و فزایی»: تضاد / «غیب و عیب»: جناس
ناهمسان
- ۸- «الف» خداوند (ب) زیرا خداوند در وهم (خیال و اندیشه) نمی‌گنجد.
- ۹- تمام وجودت علم و یقین است.
- ۱۰- تمام وجود سنایی فقط از یگانگی تو سخن می‌گوید؛ شاید برای او
امکان رهایی از آتش دوزخ وجود داشته باشد.

پاسخ آزمون درس یکم

- ۱- مزید: افزونی، زیادی
- ۲- تضرع: زاری کردن، التماس کردن
- ۳- مُمد: مددکننده، یاری‌رساننده
- ۴- باسق: بلند، بالیده
- ۵- مکاشفت: کشف کردن و آشکارساختن، در اصطلاح عرفانی،
پی‌بردن به حقایق است.
- ۶- گروه کلمات «سفوت آدمیان»، «آکفان کعبه»، «هلیه جمال» و «به
تحتیر منصوب» نادرست و شکل صحیح آنها «صفوت آدمیان»، «عاکفان
کعبه»، «حلیه جمال» و «به تحتیر منسوب» است.
- ۷- گزینه «۱»؛ واژه «مُتاع» نادرست و شکل صحیح آن «مُطاع» است.
- ۸- الف) وُسیم (ب) معاملت (پ) إنابت
ت) خلعت ث) وظیفه‌بریدن
- ۹- الف) «غربت»: دوری
ب) «حیاط»: زمین جلو ساختمان
پ) «خان»: رئیس، سرور
ت) «منصوب»: به شغل و مقامی گماشته شده
- ۱۰- ضمیر «م» در «گلم» مفعول است (بوی گل چنان من را مست کرد).
- ۱۱- الف) فعل «است» بعد از «نعمت» به قرینه لفظی حذف شده است
(مزید نعمت است).
- ب) فعل «است» بعد از «به» به قرینه معنایی حذف شده است (همان
به است).
- ۱۲- «گلستان» اثر سعدی و «ترجمه کلیله و دمنه» اثر نصرالله منشی است.
- ۱۳- «مرغ سحر»: نماد مدعیان دروغین عاشقی؛ «پروانه»: نماد عاشقان
راستین
- ۱۴- «فراش باد صبا» و «دایه ابر بهاری» و «بنات نبات» و «مهد زمین»:
تشبیه / «گفتن به باد صبا» و «فرمودن به ابر بهاری»: تشخیص /
«بگسترد» و «بپرورد»: سجع / «فرش زمردین»: استعاره از سبزه‌ها
- ۱۵- الف) ناتوانی در عبادت شایسته خداوند
ب) پاک کردن قلب از غیر خدا برای درک اسرار الهی
پ) غافل‌نشدن از پروردگار رزاق
- ۱۶- الف) پیامبر اسلام ﷺ
ب) تکیه کردن بر حمایت پیامبر اکرم ﷺ
- ۱۷- «او»: خداوند / «بی‌دل»: عاشق
- ۱۸- ناتوانی در شناخت خداوند
- ۱۹- تلاشی نمی‌کرد.
- ۲۰- تلاش می‌کرد آن را بگیرد اما چیزی به دست نمی‌آورد.
- ۲۱- سپاس و ستایش مخصوص خداوند گرامی و بزرگ است که
اطاعتش سبب نزدیکی به او می‌شود و شکرگزاری از او باعث افزایش
نعمت می‌گردد.
- ۲۲- هر نفسی که فرو برده می‌شود یاریگر زندگی است و وقتی بیرون
می‌آید، شادی‌بخش وجود است.
- ۲۳- آبروی بندگان را با وجود گناه آشکار نمی‌ریزد و روزی معین آنان
را به خاطر انجام اشتباه زشت قطع نمی‌کند.

پاسخ آزمون درس دوم

- ۱- محتسب: مأمور حکومتی شهر که کار او نظارت بر اجرای احکام
دین و رسیدگی بر اجرای احکام شرعی بود.
- ۲- والی: حاکم، فرمانروا
- ۳- خانه خَمار: میخانه، میکده
- ۴- حد: کیفر و مجازات شرعی برای گناهکار و مجرم
- ۵- ادیب: ادر اینجا معلّم و مربّی
- ۶- الف) «غازی» نادرست و شکل صحیح آن «قاضی» است.
ب) «از بحر» نادرست و شکل صحیح آن «از بهر» است.
پ) «ثواب» نادرست و شکل صحیح آن «صواب» است.
ت) «بهر» نادرست و شکل صحیح آن «بحر» است.
- ۷- کلمات «معمور»، «آر» و «منظر نذر» نادرست و شکل صحیح آنها
«مأمور»، «عار» و «منظر نظر» است.



دانش‌آموزان عزیز، جهت یادآوری و مرور سریع درس‌های ۱ تا ۱۸ فارسی دوازدهم برای ایام امتحانات، لطفاً بخش خلاصه درس را با اسکن QRcode روبه‌رو، دانلود کنید.

امتحان نیم‌سال اول	کلیه رشته‌ها	فارسی ۳	
امتحان شماره ۱	مدت امتحان: ۹۰ دقیقه	kheilisabz.com	
ردیف	بخش اول: قلمرو زبانی (۷ نمره)	نمره	
۱	الف) واژگان (۱ نمره) با توجه به عبارات و اشعار زیر، معنای واژگان مشخص شده را بنویسید.	۱	
۲	در نفیرم مرد و زن نالیده‌اند.	۱	
۳	عشق به همه‌جایی مأوا نکند.	۲	
۴	هنوز طاق ضربی دروازه‌های آن باقی است.	۳	
۵	پرده ناموس بندگان به گناه فاحش ندرد.	۴	
۶	ب) املا (۲ نمره) در گروه کلمات زیر نادرستی(های) املائی را بیابید و تصحیح کنید.	۵	
۷	«بهر وطن - مسلک و روش - باد سحر - طُرف چمن - اجانب و بیگانگان - بیت‌الخَزَن - قرقه به خون - اهریمن و شیطان - روضه رضوان - چاه زرخدان»	۱	
۸	در کدام گزینه یک یا تعدادی از واژه‌ها نادرستی املائی دارد؟ تصحیح کنید.	۱	
۹	۱) قاشِ زین - دل از عزا درآوردن - اتاقک محصور - حیاط خانه - ترقی و انتصاب ۲) پر زرق و برق - رفتگر شهرداری - حد و حصر - غصه‌خوردن - بساط تهویه ۳) ذرت‌بلالی‌ها - مباحات - عظمت و رفتن - ایل و عشیره - چشمه ضلال - ایل و تبار ۴) مواهب خداداد - بطالت - حقوق قضایی - عدلیه - آب جیحون	۵	
۱۰	املائی درست را از داخل کمانک انتخاب کنید.	۵	
۱۱	الف) آن همه زیبایی‌ها و لذت‌ها و (نشئه - نشئه)‌های سرشار ب) زین بی‌خردان (صفله - صفله) بستان داد دل مردم خردمند	۱	
۱۲	پ) دانش‌های زبانی و دستوری (۴ نمره) نقش دستوری کلمات مشخص شده را در مقابل آنها بنویسید.	۵	
۱۳	الف) دسته‌گلی تازه در کنار بنایی یادبود نهاده بودند. ب) نقاش و طراح، همان توصیفات ویکتور هوگو را نقاشی کرده‌اند.	۱	
۱۴	در هر یک از موارد زیر بخش حذف‌شده و نوع حذف را مشخص کنید.	۱	
۱۵	الف) طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت. ب) بنده همان به که ز تقصیر خویش عذر به درگاه خدای آورد	۵	
۱۶	در بیت‌های زیر «وابسته و وابسته» را بیابید و نوع آن را مشخص کنید.	۱	
۱۷	الف) سینه خواهم شرحه شرحه از فراق تا بگویم شرح درد اشتیاق ب) هر کسی کاو دور ماند از اصل خویش بازجوید روزگار وصل خویش	۵	
۱۸	در بیت زیر، مصراع اول را مطابق زبان معیار مرتب کنید.	۱	
۱۹	خانه‌ای کاو شود از دست آجانب آباد ز اشک ویران گُش آن خانه که بیت‌الخَزَن است	۵	
۲۰	هم‌آوای واژگان زیر را به همراه معنی آنها بنویسید.	۱	
۲۱	الف) قربت ب) حیات ت) منسوب		
۲۲	پ) خوان		

	فارسی ۳	کلیه رشته‌ها	امتحان نهایی خردادماه ۱۴۰۱
kheilisabz.com	مدت امتحان: ۹۰ دقیقه	امتحان شماره ۳	
نمره	بخش اول: قلمرو زبانی (۷ نمره)		
۰/۲۵	۱ در بیت زیر، یک برابر معنایی مناسب برای واژه «شادی» بیابید.		
۰/۵	۲ «همه عزّی و جلالی، همه علمی و یقینی همه نوری و سروری، همه جودی و جزایی برای هر یک از واژه‌های مشخص شده یک برابر معنایی مناسب بنویسید.		
۰/۲۵	۳ الف) اگر کوه آتش بود <u>بسپرم</u> ب) به عنوان <u>ولیمه</u> کباب غاز صحیحی بدهد. معنی واژه «دستور»، ر بیت زیر با معنی آن در کدام گزینه یکسان است؟		
۰/۵	۴ «چه نیکو گفت با جمشید دستور که با نادان نه شیون باد و نه سرور» ۱) گر ایدونک دستور باشد کنون ۲) تن ز جان و جان ز تن مستور نیست ۳) به دستور فرمود تا ساروان ۴) بر مصطفی بهر رخصت دوید املاي درست را از داخل کمانک انتخاب کنید.		
۰/۷۵	۵ الف) <u>الّا</u> ولله که امروز باید (ناهار / نهار) را با ما صرف کنی. ب) شاهان باز شکاری را روی (شصت / شست) می‌نشاندند و با خویشتن به شکار می‌بردند. در هر یک از متن‌های زیر، واژه‌ای بیابید که دارای «هم‌آوا» باشد.		
۰/۵	۶ الف) کشته هر سو بر کف و دیواره‌هایش نیزه و خنجر / چاه غدر ناجوان مردان / چاه پستان، چاه بی‌دردان «هر کسی از ظنّ خود شد یار من از درون من نجست اسرار من» پ) در آن اثنا صدای زنگ تلفن از سرسرای عمارت بلند شد. در هر یک از موارد زیر، املاي یک واژه <u>نادرست</u> است؛ آن را بیابید و درست آن را بنویسید.		
۰/۲۵	۷ الف) پیرمرد از داخل کاذبه روی میز، یک پاکت کهنه را برداشت و حواله مخارج قریب شش ماه من را نوشت. ب) پس از عزیمت رضاشاه، همه تبعیدی‌ها رها شدند و به ایل و اشیره بازگشتند. در کدام گزینه <u>غلط</u> املايي دیده می‌شود؟		
۱	۸ ۱) نهالی چند در هنگام ورود خویش در باغ غرس کرده بود. ۲) کتاب را بر روی زانو گشوده بود و از پس عینک ستبر خویش در آن می‌نگریست. ۳) چنان می‌نمود که در چهار گوشه اتاق، درفش ملّی ما را به احتزاز درآورده باشند. ۴) قومی به اسارت دشمن درآید و مغلوب و مقهور گردد. با توجه به سروده زیر، به پرسش‌ها پاسخ‌ها دهید.		
۱	«داشتیم می‌گفتم، آن شب نیز / سورت سرمای دی بیدادها می‌کرد / و چه سرمای، چه سرمای! / لیک، خوشبختانه آخر، سرپناهی یافتیم جایی / ... قهوه‌خانه گرم و روشن بود، هم‌چون شرم ... / همگناهان را خون گرمی بود.» الف) واژه «دی» کدام یک از انواع وابسته وابسته است؟ ب) زمان کدام فعل «ماضی مستمر» است؟ پ) نقش دستوری واژه «خوشبختانه» را بنویسید. ت) نوع واو مشخص شده را تعیین کنید.		
۱	۹ با توجه به بیت‌های زیر به پرسش‌ها پاسخ دهید. ۱) از سیم به سر یکی کُله خود ز آهن به میان یکی کمر بند ۲) ای مشت زمین بر آسمان شو بر وی بنواز ضربتی چند ۳) ای مادر سرسپید، بشنو این پند سیاه‌بخت فرزند الف) در بیت اول، نوع حذف، قرینه لفظی است یا معنایی؟ ب) کاربرد معنایی فعل «شو» اسنادی است یا غیراسنادی؟ پ) یک ترکیب وصفی در بیت دوم بیابید. ت) هسته گروه اسمی «این پند سیاه‌بخت فرزند» را تعیین کنید.		

پاسخ نامه تشریحی امتحان شماره (۴)

- ۱- الف) به نتیجه می‌رسد، به ثمر می‌رسد
 ب) نوعی درخت گل، یاسمن
 پ) دورویی، ریاکاری، نیرنگ
 ت) رنج و سختی
- ۲- الف) مشاور و وزیر
 ب) اجازه، رخصت
- ۳- الف) منسوب
 ب) بهر
 ۴- الف) بیندازد
 ب) مضغ
- ۵- آزر و حیا / خوار و بی‌ارزش
 ۶- قوت: مفعول / آتش: مسند
 ۷- الف) نادرست
 ب) درست
- ۸- الف) مضاف‌الیه مضاف‌الیه
 ب) ممیز
- ۹- الف) عطف
 ب) چشمان
- ۱۰- الف) بروم
 ب) مفعول
- ۱۱- الف) بدل
 ب) قید
- پ) صفت شمارشی (ترتیبی)
 ت) زادسرو
- ۱۲- پ) آقای مصطفی خیلی معذرت خواستند که بدون خدا حافظی
 با آقایان رفتند.
- ۱۳- الف) مکان (مکان زندگی مردم دیلم)
 ب) صفت فاعلی
- ۱۴- الف) شکسپیر
 ب) سید مهدی شجاعی
- ۱۵- در حیاط کوچک پاییز در زندان
 دری به خانه خورشید
- ۱۶- الف) استعاره (با توجه به کتاب علوم و فنون ۲ اگر مجاز هم
 نوشته شود صحیح است).
- ب) کنایه
 پ) مجاز
- ت) حس آمیزی
- ۱۷- الف) انسان‌هایی که عاشق حقیقی نیستند و به عشق‌های دنیوی
 و ناپایدار دل بسته‌اند.
- ب) پیر و مرشد و راهنما
- ۱۸- الف) اسلوب معادله
 ب) اغراق
 پ) تشخیص
 ت) تشبیه
- ۱۹- الف) می‌روند و باز می‌گردند
 ب) نمیرم (تا زمانی که زنده‌ام)
- ۲۰- الف) دلی می‌خواهم که از درد جدایی پاره‌پاره شده باشد.
 (محرمی می‌خواهم که سختی جدایی کشیده باشد.)
- ب) حکومت‌های بزرگ هم مانند انسان‌های ثروتمند و پرخور از
 زیاده‌خواهی نابود می‌شوند.
- پ) هر چند فرزند عزیز و گرانقدر است، اما بدگمانی به فرزند، دل شاه
 را آزرده خواهد کرد.
- ت) خودداری می‌کردید اما اصرارهای من شما را مجاب و راضی کرد.
 ث) چرا سرزمین ما شاه ندارد، بیش از این بدون شاه بودن شایسته نیست.
 ج) این بدبخت‌ها هر سال طولانی یک بار برایشان چنین موقعیتی
 پیش می‌آید و مدتی است انتظار کشیده‌اند (گرسنگی کشیده‌اند، به
 خود وعده داده‌اند) که کباب بخورند.
- چ) فکر و خیالی در ذهن انسان نمی‌گنجد که بتواند آن را بنویسد اما
 روح راستگو و درست‌کردار من آن را برای تو، ای عشق جاودانی به
 تصویر نکشیده باشد.
- ۲۱- به شیوه صمیمی و خودمانی
- ۲۲- سوخته‌جان: شاعر (ملک‌الشعراى بهار) / آتش: خشم، اعتراض
- ۲۳- همه موجودات در حال تسبیح خداوند هستند. ﴿يَسْبَحُ لِلَّهِ مَا
 فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ﴾
- ۲۴- نسیم سحرخیز: انقلاب و قیام مردم / باغ: وطن، کشور
- ۲۵- لطف و عنایت حق، انسان را از آسیب‌ها در امان نگه می‌دارد
 (آتش سوزان مثل آب، سرد می‌شود).
- ۲۶- داستان‌های شاهنامه (حماسه ملی ایران)
- ۲۷- میزان قدرت و توانایی تو چقدر است.
- ۲۸- یکی از این دو مورد: عشق قدیم را هر چقدر قدیمی باشد، کهنه
 و بی‌ارزش نمی‌شمارد یا همواره معشوق را جوان می‌بیند.
- ۲۹- ۱) «ب» ۲) «پ»